

نوع مقاله: ترویجی

## علل و پیامدهای تک‌فرزندی در ایران


محمد هادی مرادی / کارشناس ارشد روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

Hadimoradi2760051@gmail.com

orcid.org/0009-0001-1826-8027

Dolatkhah110@gmail.com

محمد دولتخواه / استادیار گروه روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۵

دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۰۲

### چکیده

باروری زیر سطح جانشینی (باروری کمتر از دو فرزند) از چالش‌های جدی در تعیین میزان جمعیت یک کشور است که اندیشه روان‌شناسان و جامعه‌شناسان را به‌خود مشغول می‌دارد. میزان باروری زیر سطح جانشینی و استمرار آن در ایران، شیوع خانواده‌های تک‌فرزندی را در پی داشته و این امر می‌تواند بحران جمعیتی را برای کشور در سال‌های آینده ایجاد کند. این مقاله باهدف بررسی علل انتخاب تک‌فرزندی توسط خانواده‌ها و تبیین پیامدهای آن از ابعاد مختلف، به قلم تحریر درآمده است. بررسی توصیفی - تحلیلی در یافته‌های تحقیق حاضر نشان می‌دهد که عوامل فرهنگی، شامل آرمان‌گرایی در تربیت فرزند، فردگرایی، مصرف‌گرایی، سبک زندگی و عوامل اجتماعی، شامل اشتغال زنان، تحصیل زنان و عوامل اقتصادی در انتخاب تک‌فرزندی مؤثر است. تک‌فرزندی در سه بخش فردی، شامل فرزندسالاری، وابستگی، احساس تنهایی؛ و خانوادگی، شامل کم‌رنگ شدن فرهنگ خانواده، آسانی طلاق و جدایی والدین و نیز اجتماعی، شامل کاهش روابط خویشاوندی، پیری جمعیت؛ پیامدهای نامطلوبی را به‌دنبال دارد. از این‌رو مسئولان در سیاست‌گذاری‌های جمعیتی خود برای کاهش تک‌فرزندی لازم است به علل مختلف انتخاب تک‌فرزندی توسط خانواده‌ها توجه داشته و پیامدهای مختلف آن را برای آنها تبیین کنند.

کلیدواژه‌ها: تک‌فرزندی، سطح جانشینی، فرزندآوری، خانواده، باروری.

## مقدمه

بنابراین این پژوهش درصدد پاسخ به این سؤال است که اولاً علل انتخاب تک‌فرزندی در خانواده‌های ایرانی چیست؟ و ثانیاً این انتخاب چه پیامدهایی را می‌تواند به دنبال داشته باشد؟

## ۱. مفهوم‌شناسی تک‌فرزندی

به پدیده‌ای که مرد و زن به‌عنوان والدین، میزان باروری خود را به حداقل تولید نسل و داشتن یک فرزند پایین می‌آورند و به داشتن تنها یک فرزند اکتفا می‌کنند، تک‌فرزندی اطلاق می‌شود (نجار باغ‌سیاه، ۱۳۹۵، ص ۱۲).

## ۲. علل گرایش به تک‌فرزندی

نکته‌ای که لازم است به آن دقت شود این است که در اغلب موارد، تک‌فرزندی یک علت ندارد و گاه در برخی موارد مجموعه‌ای از دلایل باعث می‌شود افراد، تک‌فرزندی را اختیار کنند (رازقی نصرآباد و همکاران، ۱۳۹۵).

## ۲-۱. دلایل اقتصادی

براساس برخی از پژوهش‌ها، یکی از پر تکرارترین دلایلی که زنان برای کم‌فرزندی خود عنوان می‌کنند، اوضاع بد اقتصادی و ناتوانی همسران جهت تأمین معیشت خانواده است؛ به گونه‌ای که به‌تنهایی نمی‌توانند عهده‌دار تأمین مخارج زندگی باشند و از همین رو زنان مجبورند با رو آوردن به امر اشتغال، سهمی در این امر داشته باشند؛ که نهایتاً به ایفای نقش‌های چندگانه (مادری، اشتغال، همسری) منجر می‌شود (صادقی حسن‌وند، ۱۳۹۶).

در برخی تحقیقات نیز مردم از جمله علل تعداد کم فرزندان را مشکلاتی همچون مشکلات تورم، هزینه‌های بالای زندگی، مشکلات تأمین نیازهای زندگی، بیکاری، ناامنی شغلی، بیان کرده‌اند و محققان به این نتیجه رسیده‌اند که یکی از اهداف خانواده‌ها از کم‌فرزندآوری، مدیریت و اجتناب از بسیاری از این چالش‌هاست. یافته‌های برخی مطالعات نیز حاکی از تأثیر معنی‌دار ناامنی اقتصادی بر رفتار باروری پایین زنان است (عباسی شوازی و خانی، ۱۳۹۳).

شکی نیست که مسائل اقتصادی زوجین به‌طور قطع می‌تواند در افزایش یا کاهش فرزندآوری خانواده‌ها نقش داشته باشد؛ اما بایسته است در بحث جمعیت و مسائل اقتصادی به نکات زیر توجه شود:

یکی از مباحث بنیادی مطرح در بسیاری از نهادهای فرهنگی، سیاسی و اجتماعی هر کشوری، توجه به میزان باروری و توسعه یا کاهش جمعیت در آن کشور است؛ که به‌تناسب آن، بسیاری از برنامه‌های سالانه کوتاه‌مدت و بلندمدت و هزینه سرانه آن تعیین و توسط مسئولان و متولیان امر آن پی‌گیری و به اجرا درمی‌آید. مطالعات جمعیتی در ایران نشان می‌دهد میزان باروری کلی از ۷ فرزند در سال ۱۳۵۸ به ۱/۸ تولد در سال ۱۳۹۰ کاهش یافته است؛ و در حال حاضر اکثر شهرهای ایران باروری کل کمتر از دو فرزند (زیر سطح جانشینی) را تجربه می‌کنند که پیش‌بینی می‌شود طی سال‌های آینده، کاهش بیشتری داشته باشد؛ تا جایی که این نگرانی وجود دارد که در آینده‌ای نزدیک، میزان باروری به ۱ کاهش یابد. از پیامدهای استمرار میزان باروری زیر سطح جانشینی، شیوع خانواده‌های تک‌فرزند است که مطالعات نشان می‌دهد میزان شیوع خانواده‌های تک‌فرزند رو به افزایش است و استمرار این شیوع می‌تواند بحران جمعیتی را برای کشور در سال‌های آینده ایجاد کند (ر.ک: فاضلی و معینی، ۱۳۹۵).

افزایش آمار خانواده‌های تک‌فرزند ایران در سال‌های اخیر توجه بسیاری از محققان را به خود معطوف داشته که در این میان به برخی پژوهش‌ها اشاره می‌شود:

مقاله «قصد تک‌فرزندی و تعیین‌کننده‌های آن در زنان و مردان در شرف ازدواج در تهران» (خلج‌آبادی فراهانی و سرایی، ۱۳۹۲)؛ مقاله «تجربه زیسته زنان شهر شهریار از تک‌فرزندی با تأکید بر چرایی و پیامدهای آن» (رازقی نصرآباد و همکاران، ۱۳۹۵)؛ پژوهش **بررسی پیامدهای درون خانوادگی گرایش به تک‌فرزندی شهر گناباد** (نجار باغ‌سیاه، ۱۳۹۵)؛ مقاله «تبیین علل تک‌فرزندی براساس دیدگاه زنان» (به‌منش و همکاران، ۱۳۹۸). در این میان بررسی علل و پیامدهای تک‌فرزندی در ایران، از جمله مباحثی است که به‌صورت منسجم و متقن به آن پرداخته نشده است. با توجه به افزایش تک‌فرزندی و کاهش چشمگیر جمعیت و ضرورت جلوگیری از بحران جمعیتی آینده، نویسندگان بر آنند تا به روش توصیفی - تحلیلی، عوامل و پیامدهای تک‌فرزندی را بررسی و تحلیل کرده، تا نتایج آن در راستای برنامه‌ریزی‌های مناسب سیاست‌های جمعیتی و شناخت صحیح خانواده‌ها از تک‌فرزندی مؤثر واقع شود.

پیوسته تعداد فرزندان کاهش یافته است (علاسوند، ۱۳۹۲) و معمولاً مادران برای جمع کردن نقش مادری و اشتغال، رفتار تک‌فرزندی را انتخاب می‌کنند. در مطالعه‌ای که حسینی و همکاران انجام دادند همه زنان شاغل ناسازگاری کار و فرزندآوری را از دلایل تک‌فرزندی خود بیان کردند؛ به‌گونه‌ای که از یک سو نگران مسئولیت‌های منزل و از سوی دیگر نگران مسئولیت‌ها و نقش اجتماعی هستند که در بیرون از خانه به عهده گرفته‌اند (حسینی و همکاران، ۱۳۹۵).

#### - تحصیلات زنان

تحصیلات به‌عنوان یکی از متغیرهای مهمی مطرح می‌شود که در نگرش زنان نسبت به کاهش باروری تأثیر بسزایی دارد. افزایش تحصیلات افراد، بسیاری از مسائل مهم از جمله روابط زناشویی و باروری را تحت تأثیر قرار داده است (محمودیان، ۱۳۸۹). در حقیقت تحصیلات زنان باعث افزایش سن ازدواج و میل بیشتر به اشتغال (شاه‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۴) و به تبع آن کاهش سال‌های زندگی زناشویی می‌شود. با افزایش گرایش زنان به حضور در عرصه‌های اجتماعی، مانند تحصیلات و کار مدرن که مهم‌ترین ویژگی آن، دوری کار از محیط خانه است، فرزندآوری به بازدارنده‌ای از تحرک اجتماعی تبدیل می‌شود (جاراللهی، ۱۳۷۳) و با توجه به محدود بودن سال‌هایی که زنان قابلیت باروری دارند (تا ۴۹ سالگی)، میزان باروری کاهش می‌یابد و نهایتاً به یک فرزند اکتفا می‌کنند.

تحقیقات نشان می‌دهند تصمیم افراد به ادامه تحصیل و اهمیت زیاد تحصیلات در زندگی فردی و اجتماعی، تأثیر مستقیم بر تأخیر در فرزندآوری و تک‌فرزندی دارد. به این‌گونه، افرادی که قصد ادامه تحصیل را دارند به‌جهت احساس خطر و نگرانی که آنها را اجبار به ترک تحصیل و همچنین به‌وجود آمدن ناسازگاری بین تحصیل و نگهداری از فرزند دارند، رفتار باروری خود را به تأخیر می‌اندازند (شاه‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۴)؛ تا جایی که امکان باروری آنها به‌صورت طبیعی به‌شدت کاهش پیدا می‌کند.

در مجموع، بین تحصیلات و گرایش به فرزندآوری رابطه منفی و معکوس وجود دارد؛ یعنی هرچه میزان تحصیلات افراد بیشتر شود، میزان گرایش به فرزندآوری کمتر خواهد شد (سیاه‌پوش و همکاران، ۱۳۹۵). در مقام عمل و واقع هم، زنان با تحصیلات دانشگاهی همواره کمترین تعداد فرزند را داشته‌اند (کبودی و همکاران، ۱۳۹۳) و تعداد

در موارد فراوانی آنچه اکثر خانواده‌های تک‌فرزند را به‌سمت تک‌فرزندی می‌کشاند، نبود خوراک و معیشت در سطح متوسط جامعه نیست؛ بلکه تلاش برای ارتقای وضع معیشتی و رسیدن به سطح بالاتر و مطلوب از رفاه است. پس همان‌طور که گری بکر معتقد است؛ مشکل اساسی جمعیت، درواقع تعداد و میزان جمعیت نیست؛ بلکه مدیریت اقتصاد است (دلایلی اصفهانی و اسماعیل‌زاده، ۱۳۸۶). اگرچه در سال‌های اخیر، مردم فشارهای اقتصادی زیادی را متحمل شده‌اند؛ اما بررسی طبقات مختلف جامعه، این موضوع را تأیید می‌کند که در جامعه ما، بیش از آنکه واقعیت وضع اقتصادی خانواده‌ها مانع فرزنددار شدن باشد، تصور و توقع آنها از وضع اقتصادی مطلوب، مانع این موضوع است (ر.ک: موسوی، ۱۳۹۷) و در خانواده‌هایی که از رفاه نسبی خوبی برخوردارند، اما همچنان بر بی‌فرزندی یا نهایتاً تک‌فرزندی اصرار دارند.

#### ۲-۲. دلایل اجتماعی

##### - اشتغال زنان

اشتغال زنان و دستیابی آنان به منابع اقتصادی حاصل کار در خارج از خانه و تسخیر فضاهای تازه اجتماعی توسط آنان، ساختار چندساله خانواده را تغییر داده و به ضرورت، تحولی نو در خانه پدید آورده است. درواقع امروزه زنان علاوه بر مسئولیت‌هایی همچون تدبیر منزل، تربیت فرزندان و همسررداری، که از دیرباز در حوزه مسئولیت و نقش زنان بوده است؛ نقش‌هایی همچون کار در بیرون خانه را نیز پذیرفته‌اند (معدنی و نژادفلاح، ۱۳۹۳). حتی می‌توان گفت: امروزه مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی و کارهای دارای دستمزد، بیشتر شده است؛ تا حدی که آنان مجبورند نیمی از اوقات خود را معطوف به شغل و حرفه خود کنند (کاظمی، ۱۳۸۹)؛ که این امر سبب شده تا فشار دوچندانی بر جسم و روان آنان تحمیل گردد (معدنی و نژادفلاح، ۱۳۹۳).

اگرچه در ابتدا عمدتاً مسائل اقتصادی انگیزه اصلی زنان برای ورود به بازار کار بوده؛ اما امروزه حتی زنان طبقه مرفه نیز برای کسب موفقیت‌های فردی، اجتماعی و دیگر امتیازاتی که به‌دنبال اشتغال به دست می‌آید، به کار خارج از منزل تمایل دارند (مدیری و رحیمی، ۱۳۹۵).

زنان شاغل در مقایسه با زنان خانه‌دار در تعیین تعداد موالید نقش برجسته‌تر و تعیین‌کننده‌ای‌تری دارند (باقری و همکاران، ۱۳۸۸). لازم به ذکر است از زمانی که زنان به اشتغال خارج از خانه روی آورده‌اند،

در گرایش به تک‌فرزندی است که حتی با بهبود وضع اقتصادی و سیاست‌های تشویقی در رفتار باروری چنین خانواده‌هایی تغییری تصور نمی‌شود (خلج‌آبادی و سرایی، ۱۳۹۵).

بسیار از محققان بر نقش خانواده و محیط اجتماعی در ایجاد و رشد کمال‌گرایی در فرزندان اتفاق نظر دارند و همچنین اعتقاد دارند که کمال‌گرایی ریشه در تجربه‌های دوران کودکی، بخصوص رابطه والدین - کودک دارد (بشارت و همکاران، ۱۳۹۰). در حقیقت می‌توان گفت رفتار والدین و شخصیت کودکان تحت تأثیر متغیرهای گوناگونی قرار دارد که یکی از این متغیرها تعداد اعضای خانواده است. تحقیقات نشان داده‌اند که در خانواده‌های تک‌فرزند، والدین تمام آرزوهای خود را از آن فرزند انتظار دارند و از آنها می‌خواهند که در تمام عرصه‌های زندگی بهترین عملکرد را از خود نشان دهند (فرنودیان و همکاران، ۱۳۹۲)؛ به‌گونه‌ای که سال‌های زیادی را در دانشگاه به تحصیل مشغول هستند و ارتقاء جایگاه شغلی و تحصیلی را برای تربیت و رسیدگی مناسب به فرزندان را مهم می‌دانند و به‌جای داشتن فرزند بیشتر بر دانش بیشتر برای تربیت بهتر، درآمد بالاتر برای تهیه امکانات بهتر برای فرزند تأکید دارند (آقایاری و همکاران، ۱۳۹۵).

برخی از والدین حتی مایل نیستند با مشکلاتی که ممکن است میان فرزندان ایجاد شود، روبه‌رو شوند و آنان از پیچیده‌شدن مسائل خانوادگی که بر اثر چندفرزندی پدید می‌آید، اجتناب می‌ورزند. در واقع فرزندان وادار می‌شوند که شخصیتی مطابق میل والدین داشته باشند (فرنودیان و همکاران، ۱۳۹۲، به نقل از: پیک هارت).

در حقیقت از آنجاکه والدین در خدمت خواسته‌های فرزند خود بوده‌اند، آنها یاد نمی‌گیرند خواسته‌های خود را محدود کنند. این مسئله از آنها افرادی ضعیف و آسیب‌پذیر می‌سازد که توان مقابله با مسائل زندگی را نخواهد داشت. عدم توانایی در مهار خواسته‌ها، فرد را مستعد ابتلا به اختلال‌های روانی می‌سازد و سطح کیفیت زندگی فرد را پایین می‌آورد و در مقابل، اگر فرد دچار این آرمان‌گرایی نباشد، میزان کیفیت زندگی او افزایش پیدا خواهد کرد (خلعتبری و همکاران، ۱۳۹۰).

#### - فردگرایی

یکی از تغییراتی که هم‌زمان با تحولات اقتصادی و اجتماعی به‌صورت محسوس ایجاد شده و در برخی بر آن تأکید داشته و آن را در جامعه ترویج می‌کردند ارزش‌های فردگرایانه است (شاه‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۲) که

خانواده‌های تک‌فرزند در قشر تحصیل‌کرده بیشتر دیده می‌شود و هرچه میزان تحصیلات کمتر می‌شود، میزان گرایش به تک‌فرزندی کمتر خواهد شد (سیاه‌پوش و همکاران، ۱۳۹۵). با بالا رفتن سطح تحصیلات معمولاً نگرش زنان نسبت به زندگی دگرگون می‌شود و افراد، خواهان زندگی باکیفیت بیشتر برای خود و فرزندانشان هستند.

#### - تعارضات زناشویی

در تبیین عوامل مؤثر بر فرزندآوری، مطالعات عمدتاً بر متغیرهای ساختاری و یا به موقعیت و نگرش‌های زنان و گاهی مردان متمرکز بوده است؛ درحالی‌که چون تصمیم‌گیری برای فرزندآوری امری زوجی است نه فردی، می‌بایست تأثیر روابط میان همسران بر فرزندآوری نیز مورد توجه قرار گیرد.

تحقیقات نشان می‌دهد برخی از عوامل مربوط به مشکلات بین زوجین که سبب گسستگی رابطه بین آنان شده است، در تصمیم‌گیری خانواده‌ها برای پذیرش تک‌فرزندی نقش بسزایی داشته است (به‌منش و همکاران، ۱۳۹۸). در ضمن الگوی تک‌فرزندی ارتباط تنگاتنگی با نحوه نگرش به طلاق دارد؛ به‌طوری‌که متأهلانی که دارای ۱ فرزند و خواهان ۱ فرزند هستند، به‌مراتب بیش از سایر متأهلان، موافق با طلاق هستند و به طلاق با یک نگاه مثبت برای بیرون آمدن از معضلات زناشویی می‌نگرند (فروتون و بیژنی، ۱۳۹۹).

در مقابل، هرچه کیفیت زندگی زناشویی افزایش پیدا می‌کند، تمایل زوجین برای فرزندان بعدی بیشتر می‌شود؛ اما با توجه به مشغله‌های متعددی که خانواده برای خود به وجود آورده‌اند، رشد روزافزون این نگرش غلط که با آمدن فرزند دیگر روابط زناشویی و رضایت از زندگی فرد بد و بدتر می‌شود، به‌طور مستقیم بر نیت فرد به داشتن فرزند دیگر تأثیر منفی می‌گذارد و سبب تثبیت امر تک‌فرزندی در زندگی آنها می‌شود.

#### ۲-۳. دلایل فرهنگی

##### - آرمان‌گرایی در تربیت فرزند

آرمان‌گرایی با ویژگی‌هایی همچون تلاش برای کامل و بی‌نقص بودن و تعیین معیارهای بسیار افراطی در عملکرد همراه با گرایش به ارزیابی انتقادی رفتار مشخص می‌شود (بشارت و همکاران، ۱۳۹۰). آرمان‌گرایی در تربیت و تحصیلات فرزندان یکی از ملاحظات مهم

با توسعه فرهنگ مصرف‌گرایی در خانواده‌ها، طبیعتاً هزینه‌های زندگی بالا می‌رود و امکان داشتن فرزند بیشتر فراهم نخواهد بود و خود این امر موجب کاهش فرزندان و رواج تک‌فرزندی در جامعه می‌گردد (فاضلی و معینی، ۱۳۹۵). کاهش جمعیت مصرف‌کننده در خانواده نیز، زمینه‌ای برای رشد مصرف و مصرف‌گرایی است. خانواده بی‌فرزند و تک‌فرزند که به علت کمی افراد، از هزینه کمتر و تمکن بیشتری برخوردارند طبعاً به سمت تنوع‌طلبی مصرف‌گرایی پیش می‌روند (محمدی لائینی و همکاران، ۱۳۹۳).

به‌خاطر حاکمیت چنین فرهنگی، پدران و مادران زیادی سطح مطلوب از زندگی را مترادف با فراهم شدن همه امکانات شامل درآمد بالا، خانه ملکی، خودرو، لوازم زندگی کامل دانسته و علی‌رغم توانایی فرزندآوری و فرزندپروری، از پذیرش آن تا رسیدن به آن سطح مطلوب خودداری می‌کنند.

#### - سبک زندگی

امروزه تحولات باروری و تغییر در نگرش نسبت به فرزندآوری، برخلاف آنچه در گذشته تصور می‌شد، فقط ناشی از مسائل اقتصادی و هزینه‌های فرزندآوری نیست و در کنار این عامل، عوامل فرهنگی اجتماعی نیز دخالت دارند (شمس‌الدینی و همکاران ۱۳۹۵) از مهم‌ترین عوامل فرهنگی که بی‌شک در انتخاب تک‌فرزندی نقش بسزایی داشته است، تغییر سبک زندگی و نفوذ سبک غربی در لایه‌های مختلف زندگی مردم ایران است (جوکار و صفورایی، ۱۳۹۳). در اینجا به برخی از مؤلفه‌های سبک زندگی که با تک‌فرزندی مرتبط است و سبب انتخاب تک‌فرزندی در زندگی افراد می‌شود، اشاره می‌شود.

#### - مدیریت بدن

با افزایش اهمیت خود که از محصولات جامعه مدرن است (شکرپیگی و امیری، ۱۳۹۰) جذابیت جسمانی و مدیریت بدن، از جمله موضوعاتی است که در این دوران اهمیت بیشتری پیدا کرده است (فاضلی، ۱۳۸۲، ص ۱۴۹) مدیریت بدن به معنای نظارت و دست‌کاری مستمر ویژگی‌های ظاهری و مرئی بدن است (محمودیان، ۱۳۸۹)؛ اگرچه آمارهای میزان مدیریت بدن در ایران دقیق نیست؛ اما آنچه به‌صورت گسترده مورد قبول قرار گرفته این است که مدیریت بدن در حال گسترش است (تقوایی فرد و همکاران، ۱۳۹۹).

فرد در دوراهی‌های زندگی، انتخاب خود را بیشتر براساس ترجیحات فردی، سلیقه‌ها و منافع فردی انجام می‌دهد (سیاح و همکاران، ۱۳۹۵). اگرچه دلایل کاهش جمعیت و تک‌فرزندی بسیار متنوع است (حسینی مجرد، ۱۳۹۲)؛ اما نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که فردگرایی یک متغیر تعیین‌کننده در قصد باروری در زنان نسل جدید است (شاه‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۲) که رشد آن در جامعه ایران، ساختار خانواده را تحت تأثیر قرار داده است (رستمعلی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۷)؛ و سایر عوامل مانند تحصیلات و اشتغال اثرات خود را از طریق فردگرایی و رفتار باروری می‌گذارند (شاه‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۲).

در خانواده‌هایی که فردگرایی حاکم است، فرزند بیشتر برای لذتی که برای والدین حاصل می‌کند، به دنیا آورده می‌شود (کنعانی و بخشی، ۱۳۹۳). مادر شدن که زمانی بسیار بارز تر تلقی می‌شد و برای زنان افتخار بود (شاه‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۲) و پدیده‌ای توأم با شادی و نشاط و نقطه عطفی در زندگی زن پنداشته می‌شد، در اثر رسوخ دیدگاه‌های فردگرایانه رنگ باخته است (جوکار و صفورایی، ۱۳۹۳) و اکنون ارزش سابق خود را در میان زنان بخصوص زنان تحصیل کرده و شاغل و زنانی که از فضای خانواده فاصله گرفته‌اند، از دست داده است (شاه‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۲). به‌گونه‌ای که در زنان با افزایش فردگرایی، افزایش قابل توجه قصد تک‌فرزندی همراه است (خلج‌آبادی فراهانی و سرایی، ۱۳۹۵) حتی برخی از خانواده‌ها لذت‌های دیگر مانند لذت کار حرفه‌ای و تحصیلات را بر لذت بچه ترجیح می‌دهند (کنعانی و بخشی، ۱۳۹۳).

#### - مصرف‌گرایی

گرچه مصرف کالا و خدمات در دوران پیشین حیات بشر نیز وجود داشته، اما در قرن جدید، مصرف صرفاً محدود به رفع نیاز برای حفظ بقا نبوده و با مقاصد و نیت‌های دیگری همراه شده است؛ به‌گونه‌ای که در قرون جدید مصرف بخش اعظمی از تجارب روزمره زندگی بشر را شکل می‌دهد و چپستی او را رقم می‌زند (علیخواه، ۱۳۸۷).

امروزه فرهنگ مصرف‌گرایی با نیازآفرینی و ایجاد تنوع در نیازهای کاذب، مشکلات فراوانی بر اقتصاد خانواده در ابعاد مختلف تحمیل می‌کند. همچنین تأثیرات مخرب این فرهنگ بر مسئله فرزندآوری و ایجاد هزینه‌های غیرضروری آن سبب شده است که کمتر پدر و مادری به فکر افزایش جمعیت خانواده باشند (موسوی، ۱۳۹۷).

مقابل، زنانی که میزان بیشتری به گذران اوقات فراغت خود می‌پردازند، بیش‌ترین تمایل را از خود به تک‌فرزندی نشان می‌دهند (شهیدی کومله، ۱۳۹۶). اگرچه اوقات فراغت یکی از طرقی است که به زنان کمک می‌کند تا ضمن شرکت در فعالیت‌های فراغتی، وظایفی مادری را بهتر انجام دهند و فرزندان بهتری را تعلیم و تربیت کرده و نسل سالم‌تری به جامعه تحویل بدهند (رفعت‌جاه و همکاران، ۱۳۸۹)؛ اما متأسفانه امروزه حضور بیشتر زنان در عرصه‌های عمومی و افزایش سطح تحصیلات و اشتغال موجب شده که تغییرات محسوسی در رفتار و سبک زندگی آنها ایجاد شود (ابراهیمی و همکاران ۱۳۹۰ب)؛ به گونه‌ای که با اصل واقع‌شدن مسائل اوقات فراغت‌ها از وظایف اصلی مادری خود غافل شده و کاهش محسوسی در فرزندآوری خود داشته‌اند.

#### پایگاه اجتماعی - اقتصادی

یکی از مؤلفه‌های سبک زندگی که تأثیر آن بر انتخاب تک‌فرزندی توسط مادران مورد بحث قرار می‌گیرد، پایگاه اقتصادی اجتماعی است. پایگاه اقتصادی اجتماعی شاخص ترکیبی است که تجربه کاری و موقعیت اقتصادی اجتماعی فرد را نسبت به دیگر افراد جامعه خود بیان می‌دارد (پورافکاری و همکاران، ۱۳۹۱).

نتایج پژوهش‌ها حاکی از وجود رابطه بین نگرش به فرزندآوری و پایگاه اقتصادی اجتماعی است (کاوه فیروز و همکاران، ۱۳۹۵). بسیاری از مطالعات این نکته را متذکر شده‌اند که باروری در کشورهای توسعه‌یافته در میان افراد متعلق به طبقات پایین‌تر در بالای سطح خود است و در نزد طبقات متوسط و عالی در پایین‌ترین سطح قرار دارد (صادقی و سرابی، ۱۳۹۵). در واقع می‌توان گفت زنانی که در پایگاه اقتصادی اجتماعی بالاتری قرار دارند، نگرش ضعیف‌تری به فرزندآوری دارند و نهایتاً تک‌فرزندی را انتخاب می‌کنند. به عبارتی، از نگرش سنتی به فرزندآوری فاصله گرفته و نگاه نوگرایانه به فرزندآوری دارند (کاوه فیروز و همکاران، ۱۳۹۵). در نگاه نو، تعداد فرزندان می‌تواند در جایگاه افراد، مؤثر باشد و تعداد زیاد فرزندان از جایگاه خوبی برخوردار نیست و تک‌فرزندی با شأن و منزلت آنها سازگارتر است.

نکته‌ای که باید به آن توجه داشت اینک هرچه میزان پایگاه اقتصادی - اجتماعی افراد در مرتبه بالاتر قرار گیرد، به همان نسبت،

آنچه سبب دغدغه و نگرانی شده، توجه افراطی به ابعاد فیزیکی فرزندآوری و به‌ویژه توجه به بدن و تلاش برای کنترل وضعیت مناسب آن یا همان ریخت و فرم بدن در میان زنان نسل جدید و به‌ویژه در میان دختران مجرد است که در آینده ازدواج می‌کنند و مادر می‌شوند. تا جایی که این تفکر در میان برخی زنان رایج است که تعادل اندام خود را بر داشتن فرزندانی بیشتر ترجیح دهند و این نوع نگرش آنها می‌تواند در فرزندآوری‌شان دخیل و حتی در تصمیم‌گیری آنها تعیین‌کننده باشد؛ و این امری است که اصولاً در گذشته در پیوند با مبحث فرزندآوری جایگاهی نداشت (رضایی و محمودیان، ۱۳۹۱).

میزان مدیریت بدن با نگرش به فرزندآوری در تحقیقات متعددی معنادار است (تقوایی فرد و همکاران، ۱۳۹۹)؛ کاوه فیروز و همکاران، (۱۳۹۵)؛ به گونه‌ای که با افزایش مدیریت بدن، نگرش منفی به فرزندآوری دارند و برعکس. در تبیین تغییر نگرش به فرزندآوری زنان، با در نظر گرفتن مقوله مدیریت بدن، می‌توان گفت امروزه زنانی که بیشتر از معیارهای مدرن و جهانی زیبایی بدن تبعیت می‌کنند و به عبارتی به دنبال سبک زندگی مدرن مدیریت هستند، نگرش ضعیف‌تری به فرزندآوری دارند و تمایل دارند نهایتاً تک‌فرزند باشند، یا حتی فرزندنی نداشته باشند (کاوه فیروز و همکاران، ۱۳۹۵).

#### اوقات فراغت

اوقات فراغت و نحوه گذراندن آن، از مباحث تازه‌ای است که پس از انقلاب صنعتی و رشد صنایع و فناوری، توجه روان‌شناسان، جامعه‌شناسان و اندیشمندان علوم دیگر را برانگیخته و به موضوعی مهم در سبک زندگی تبدیل شده است (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۰الف). در حقیقت در گذشته سختی تأمین معاش و کم‌یابی و نایابی منابع سبب شده بود تا بیشترین زمان زندگی صرف تلاش برای زنده ماندن شود و چیزی به نام اوقات فراغت حتی برای زنان بسیار کم‌رنگ بود. اما امروزه با پیشرفت فناوری و زندگی ماشینی، سبک زندگی‌ها تغییر کرده است (فکوهی و انصاری مهابادی، ۱۳۸۲).

نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که بین نگرش زنان به فرزندآوری و گذراندن اوقات فراغت، رابطه معنادار وجود دارد. به این صورت که کاهش یا افزایش میزان اوقات فراغت زنان، بر تمایل آنان نسبت به فرزندآوری تأثیر می‌گذارد. زنانی که میزان کمتری را صرف گذراندن اوقات فراغت خود می‌کنند، تمایل بیشتری به فرزندآوری دارند و در

خواسته‌ها و اهداف آنان استوار می‌شود (محمدی و صادقی، ۱۳۸۸). از آنجاکه در خانواده‌های تک‌فرزند، همهٔ محبت‌ها و حمایت‌ها متوجه همان یک فرزند است و والدین خود را در معرض سلطه‌ورزی کودک قرار داده و بیش از حد به خواسته‌ها و مطالبات وی پاسخ مثبت می‌دهند؛ فرزندسالاری حکم‌فرماست (حق‌شناس، ۱۳۸۸، ص ۳۳). اگرچه این رفتار والدین از روی دلسوزی و به‌منظور رشد فرزندان صورت می‌گیرد؛ ولی ندانسته به فرزندشان آسیب می‌رسانند. باینکه تک‌فرزندان از استقلال، امکانات و مزایای خوبی در خانواده برخوردارند؛ فاقد توان تصمیم‌گیری و استقلال رفتاری هستند و از حیث اقتصادی هم کاملاً به درآمد خانواده وابسته‌اند (غنیمتی و مهدوی، ۱۳۸۱). باید توجه داشت که سپردن عنان خانواده به فرزند به شیوهٔ ناصحیح و مبتنی بر فرزندسالاری، نه‌تنها آرامش خانواده را بر هم زده و پدر و مادر را دچار تنش و سردرگمی خواهد کرد؛ بلکه بیشترین زیان را متوجه کودکان خواهد کرد؛ چراکه کودک به‌دلیل برطرف شدن تمام و کمال نیازهایش در خانواده، در هنگام مواجهه با مسائل مختلف زندگی، ناتوان بوده و اضطرابی مخرب در او ایجاد می‌شود که می‌تواند مانعی در راه پیشرفت و رشد فردی و اجتماعی او ایجاد کند (مقدم، ۱۳۸۸).

مشکل زمانی حاد می‌شود که این رفتار کودک به تدریج نهادینه شده و سبب می‌شود که او هیچ‌گاه یاد نگیرد که برای رسیدن به اهدافش صبر داشته و تحمل کند و همان انتظاراتی که از والدین خود داشته، از جامعه نیز خواستار است (سیاح و همکاران، ۱۳۹۵). از آنجاکه دنیای واقعی کاملاً مطابق میل و خواسته آنان و پاسخگوی توقعاتشان نیست؛ دچار سرخوردگی و ناسازگاری می‌شوند.

#### - وابستگی

مشخص‌ترین ویژگی خانواده‌های تک‌فرزند توجه و حساسیت افراطی والدین به تنها فرزندشان است (یوسفی و پورالعجل، ۱۳۹۶) که می‌تواند پیامد وابستگی شدید والدین به فرزند به والدین را به دنبال داشته باشد (صافی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴). اغلب در خانواده‌های تک‌فرزند، میزان وابستگی دارای افراط و تفریط است. به این معنا که گاهی اوقات فرزندان به سبب اشتغال والدین مورد بی‌مهری و بی‌توجهی قرار می‌گیرند و گاهی نیز در کانون توجه بیش از حد والدین هستند (یوسفی و پورالعجل، ۱۳۹۶). این توجه افراطی

میزان مدیریت بدن در آنها رو به افزایش است (فاتحی و اخلاصی، ۱۳۸۷)؛ درحالی‌که در تحقیقات قبلی اشاره شد که زنانی که مدیریت بدن در آنها بالاست، احتمال انتخاب تک‌فرزندی نیز در آنها بالاست.

#### - شبکه روابط اجتماعی

هر فرد با توجه به سبک زندگی خاص خود و برحسب نقش‌های اجتماعی که بر عهده دارد، در شبکه‌ای از روابط اجتماعی قرار می‌گیرد. این موقعیت بر روی تمایل، نگرش و رفتار فرد تأثیر می‌گذارد (شهیدی کومله، ۱۳۹۶).

دو عنصر اشتغال و تحصیلات در شکل‌بندی شبکه روابط اجتماعی زنان در عصر جدید نقش مهمی را ایفا می‌کنند؛ به‌گونه‌ای که زنانی که شاغل یا تحصیل کرده‌اند، معمولاً سبک زندگی‌شان مدرن است و طبیعتاً به‌جهت تحصیل و اشتغالشان، روابط اجتماعی (خارج از خویشاوندی) بیشتری دارند (کردی و هادی‌زاده، ۱۳۹۱). نتایج تحقیقات حاکی از آن است که تحصیلات دانشگاهی فرصت دستیابی به سطح متنوعی از روابط اجتماعی را برای زنان شهری فراهم می‌آورد و اشتغال این روابط را پایدار می‌کند (علی‌رضانژاد و سرایی، ۱۳۸۶). در بررسی شهیدی کومله (۱۳۹۶) رابطه بین شبکه روابط اجتماعی و تمایل به فرزندآوری معنادار بود؛ به‌گونه‌ای که زنانی که دارای روابط محدودتر اجتماعی هستند، تمایل بیشتری به فرزندآوری از خود نشان داده‌اند و زنان دارای روابط اجتماعی متوسط و بالا، کمترین میزان تمایل به فرزندآوری را از خود نشان داده‌اند.

#### ۳. پیامدهای کم‌فرزندی

اگرچه بسیاری از خانواده‌های تک‌فرزند به برخی مزایای تک‌فرزندی اشاره می‌کنند؛ اما پیامدهای آن را بخصوص برای فرزندان خود، نامطلوب می‌دانند (رازقی نصرآباد و همکاران، ۱۳۹۵). تک‌فرزندی نه‌تنها خانواده بلکه جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد و می‌تواند پیامدهای منفی فراوانی را برای آنها به دنبال داشته باشد (شیخی، ۱۳۹۵، ص ۶۷). این پیامدها را می‌توان از لحاظ فردی، خانوادگی، اجتماعی مورد بررسی قرار داد.

#### ۳-۱. پیامدهای فردی

##### - فرزندسالاری

فرزندسالاری یعنی وضعیتی که در آن، فرزندان مستقیم یا غیرمستقیم محور و اساس تصمیم‌گیری‌ها، فعالیت‌ها و مجموعهٔ امور مختلف خانواده قرار می‌گیرند و همهٔ مسائل خانواده به‌طور کلی براساس نیازها،

احساس تنهایی در آنها صورت می‌گیرد. در تحقیق و مصاحبه عمیقی که رازقی نصرآباد و همکاران (۱۳۹۵) او داشتند این مطلب را تأیید کردند که برخی از مصاحبه شونده‌گان ابراز داشتند که اگر اتفاق ناگواری برای فرزند آنها بیفتد و یا اینکه به دلایل شغلی، در آینده آنها را ترک کند، تقریباً تنهای تنها خواهند بود.

کودکان تک‌فرزند هنگامی که خانواده تشکیل می‌دهند و صاحب فرزند می‌شوند، فرزندان آنها همواره با سؤال‌هایی نظیر چرا من خاله، عمه، دایی یا عمو ندارم مواجه می‌شوند؛ همین موضوع به تشدید حس تنهایی در فرزندان تک‌فرزند نیز منجر می‌شود (صالحان، ۱۳۹۸). از آنجا که داشتن فرزند، امید به زندگی را افزایش می‌دهد، زوجین فاقد فرزند یا تک‌فرزند معمولاً دوران پیری را با حمایت کمتری پشت سر می‌گذارند و بیشتر از احساس تنهایی رنج می‌برند و گاه دست‌خوش احساس پشیمانی از تصمیم خود می‌شوند (شجاعی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۳۴۹).

### ۳-۲. پیامدهای خانوادگی کم‌فرزندی

#### - کم‌رنگ شدن فرهنگ خانواده

تأثیر خانواده و نوع زندگی خانواده‌ها بر رشد، تعادل و شکوفایی افراد و جامعه به‌اندازه‌ای است که هیچ صاحب‌نظری نمی‌تواند آن را انکار کند. از این رو در میان تمامی ادیان، مکاتب، نهادها و سازمان‌های اجتماعی، خانواده از جایگاه ویژه و نقش سازنده‌ای برخوردار است و تنها نظام اجتماعی است که در همه جوامع، از مذهبی و غیرمذهبی پذیرفته‌شده (شیرزادی و همکاران، ۱۳۹۶) و به‌عنوان منشأ فرهنگ‌ها، تمدن‌ها و تاریخ بشر بوده است (حسن‌زاده، ۱۳۹۲). بی‌شک اگر خانواده‌ها سست باشند حاصل آن، جامعه‌ای سست خواهد بود (کاظمی‌نسب و بهرام‌زاده، ۱۳۹۹).

دگرگونی‌های اجتماعی نیم قرن اخیر بر ساخت و فرهنگ خانواده ایرانی تأثیر بسیار گذاشته و تحول در این نهاد اجتماعی بسیار سریع بوده است (نایی و لطفی، ۱۳۹۴). از محسوس‌ترین این تحولات، کوچک شدن مستمر خانواده‌های ایرانی (قاسمی، ۱۳۹۷) و شیوع پدیده تک‌فرزندی بوده است؛ به‌گونه‌ای که طبق آمارهای سال ۱۳۹۰ بیش از ۳۳ درصد از خانواده‌های ایرانی بدون فرزند یا فقط دارای یک فرزند بوده‌اند (زواره، ۱۳۹۷).

از آنجا که وجود فرزندان و تعداد آنها منجر به تحکیم روابط عاطفی بین همسران و در نتیجه تقویت فرهنگ خانواده می‌شود؛ لذا با شیوع و

سبب می‌شود والدین نسبت به تک‌فرزند خود، به‌شدت احساس وابستگی می‌کنند و در برخورد با او حساس‌تر شوند به‌گونه‌ای که معمولاً یا خودشان مراقب آنها هستند یا از دیگران درخواست می‌کنند تا مراقب فرزندشان باشند، تا مشکلی برای آنها پدید نیاید (پیک هارت، ۱۳۸۹، ص ۸۷).

تحقیقات متعددی بر حمایت بیش از حد و توجه افراطی والدین خانواده‌های تک‌فرزند صحنه گذاشته‌اند و معتقدند هرچه حمایت والدین از تنها فرزندشان بیشتر شود، قدرت تحمل و مقابله وی در رویارویی با مشکلات کاهش می‌یابد و از آن‌رو بسیار شکننده و آسیب‌پذیر می‌شوند (صادقی و روشن‌نیا، ۱۳۹۵). در برخی از تحقیقات، والدین به این امر اذعان داشتند که تک‌فرزندی مشکلاتی همچون وابستگی بیش از حد به فرزند را برایشان به وجود آورده است (رازقی نصرآباد و همکاران، ۱۳۹۵). برخی از خانواده‌های دیگر وابستگی بیش از حد به تک‌فرزند را از مشکلات تک‌فرزندی برای والدین و خانواده‌ها برشمرده‌اند (خلج‌آبادی فراهانی و سرایی، ۱۳۹۵).

آنچه باید مورد توجه قرار بگیرد این است که تعداد فرزندان می‌تواند سبب ایجاد هماهنگی لازم و شکل‌گیری وابستگی متعادل باشد (یوسفی و پورالعجل، ۱۳۹۶) و در خانواده‌هایی که بالاتر از سطح جانشینی فرزند دارند از وابستگی متعادل‌تری برخوردارند.

#### - احساس تنهایی

احساس تنهایی یکی از پیامدهایی است که در پدیده تک‌فرزندی قابل توجه است. احساس تنهایی گذرگاهی است برای هجوم آوردن احساسات منفی دیگر، که اغلب افراد می‌کوشند به‌صورت هشیار و ناهشیار از آنها اجتناب کنند. در واقع احساس تنهایی را می‌توان نارسایی و ضعف محسوس در روابط بین فردی دانست که به عنوان تفاوت مابین سطح مطلوب و سطح موجود روابط اجتماعی افراد تعریف کرد و هرچه این تفاوت بیشتر باشد احساس تنهایی بیشتر است (سلیمی، ۱۳۹۶).

احساس تنهایی نیز از جمله پیامدهایی است که ممکن است در خود فرزند و والدین او به‌صورت مشترک احساس شود. معمولاً خود تک‌فرزندان این تنهایی‌شان را ابراز می‌کنند و مدام از اینکه خواهر و برادری ندارند، گلایه می‌کنند و می‌گویند کاش خواهر و برادری داشتم (شبیخی، ۱۳۹۵). علاوه بر احساس تنهایی فرزند، خود والدین نیز در سنین میان سالی و سالخوردگی به علت نبود فرزندان، این



فرهنگی کارکردهای محدودتری دارد؛ همچنان مرکز حمایت عاطفی برای اعضای خود است (نایی و لطفی خاچکی، ۱۳۹۴). همچنان عمده‌ترین تکیه‌گاه افراد در جامعه، خانواده و خویشاوندانند که می‌توان در لحظات حساس زندگی از سوی آنان حمایت‌های عاطفی، اجتماعی و مادی دریافت کرد (اطیابی، ۱۳۸۶) و معمولاً پیشرفت مادی، معنوی و اخلاقی یک جامعه، از خانواده و خویشاوندان شکل می‌گیرد (مطهری و یوسفیان، ۱۳۹۶).

یکی از عواملی که بر سلامت، حفظ و تقویت خانواده بسیار مؤثر است، ارتباط با خویشاوندان است (نجفی اصل، ۱۳۹۳). ارتباط و تعامل بیشتر با خویشان، سبب تعادل و پایداری خانواده و تقویت سلامت آنان می‌گردد (پناهی و زارعان، ۱۳۹۱). حتی پیوندهای خویشاوندی، به‌واسطه ایجاد سرمایه اجتماعی بالا برای اعضا و حس تعلق آنها به شبکه خویشاوندی، می‌تواند باعث جلوگیری از گرایش آنها به انواع کج‌روی‌ها و بزهکاری‌ها نیز بشود (نایی و لطفی خاچکی، ۱۳۹۴).

امروزه روابط خویشاوندی و ارزشمندی حفظ این روابط، به‌دنبال تغییرات گوناگون که به‌تبع مدرن‌شدن جوامع پدید آمده، دچار چالش‌های جدی گشته است؛ به‌طوری که در این فضای جدید که مروج آزادی، پیشرفت، خوداتکایی و فردگرایی است، افراد به‌دنبال به‌دست آوردن فرصت‌های بهتر برای زندگی شخصی‌شان، اعتنای کمتر به حفظ این‌گونه روابط نشان می‌دهند (نجفی اصل، ۱۳۹۳).

اگر والدینی که امروز حق انتخاب برای تعداد فرزندان دارند، به تک‌فرزندی اکتفا کنند؛ مسلماً این فرزند نمی‌تواند خواهر و برادر داشته باشند و در نتیجه فرزندان او نسبت‌هایی همچون عمه و خاله برایشان قابل درک نخواهد بود و در صورت نبود چنین بستگانی، کمرنگ شدن ارتباطات اجتماعی و در نهایت تنهایی افراد را شاهد خواهیم بود.

در ضمن باید توجه داشته باشیم تمام آثاری که در منابع اسلامی، از جمله تقرب به خداوند متعال، زیاد شدن روزی و طول عمر، دفع بلا و آسان شدن حساب قیامت، ایجاد دوستی و مودت برای صلح‌رحم ذکر شده است، در جایی معنا پیدا می‌کند که عمه، عمو، خاله و دایی وجود داشته باشند. اما در خانواده‌های تک‌فرزند علاوه بر اینکه هیچ‌یک از مصادیق خاله و عمو را درک نخواهند کرد، این آثار بارزش را نیز از دست خواهند داد. فرزندان حتی از خواهر و برادری که می‌توانست تأثیر عمیقی بر رشد و نمو فرزندان داشته باشد (پهمنش و همکاران، ۱۳۹۸) محروم خواهند بود؛ در نتیجه خانواده که در گذشته، به‌ویژه در

گسترش خانواده‌های تک‌فرزند، علاوه بر اینکه مؤلفه‌های عاطفی استحکام‌بخش زندگی مشترک زوجین به‌شدت تنزل خواهد کرد، فرهنگ خانواده نیز به‌تبع به‌شدت ضعیف خواهد شد (صالحی، ۱۳۹۷). در مقابل، زمانی که والدین فرزندان بیشتری داشته باشند، باید برنامه‌ریزی بیشتر و در ادامه وقت زیادتری را به موضوع خانواده و برطرف ساختن نیازهای خانواده اختصاص دهد؛ که این موضوع باعث می‌شود رابطه والدین، شراکت و تلاش آنان برای رفع نیازهای فرزندان بیشتر شود. این موضوع، حس با هم بودن و یک خانواده بودن را بیشتر می‌کند و در نهایت به انسجام و تحکیم خانواده منجر می‌شود (صالحان، ۱۳۹۸).

### - طلاق و جدایی والدین

یکی از پیامدهای پدیده تک‌فرزندی این است که خانواده‌ها راحت‌تر به طلاق فکر کرده و دغدغه‌چندانی نسبت به آن نداشته باشند. از آنجاکه طلاق، موجب توقف فرزندآوری می‌شود، از اهمیت دوچندانی برخوردار است (جوکار و صفورایی، ۱۳۹۳). زوج‌هایی که یک فرزند دارند و یا فرزند ندارند، طبیعتاً در زمانی که اختلاف و تعارضاتی میان آنها به‌وجود می‌آید، راحت‌تر به طلاق فکر می‌کنند؛ ولی خانواده‌هایی که صاحب چند فرزند هستند، فکر کردن به طلاق و تصمیم طلاق برایشان سخت‌تر است و گاهی به‌خاطر فرزندانشان چندین سال اختلافات را تحمل می‌کنند و به طلاق فکر نمی‌کنند.

چون وجود فرزندان به‌ویژه خردسالان موجب گرمی و صمیمیت بین اعضاء خانواده می‌گردد (بارانی، ۱۳۹۴). هرچه تعداد فرزندان بیشتر باشد والدین سخت‌تر به طلاق فکر می‌کنند (نجار باغ‌سیاه، ۱۳۹۵، به نقل از: چابکی، ۱۳۹۳، ص ۱۷۳)؛ و خانواده‌ها و بیشتر مادران به‌دلیل وجود فرزند، طلاق را در اولویت انتخاب‌های خود قرار نمی‌دهند (بارانی، ۱۳۹۴) و آمارهای طلاق نیز این مطلب را تأیید می‌کنند که عمده طلاق‌ها در خانواده‌هایی صورت می‌گیرد که یا فرزند ندارند و یا اینکه فقط صاحب یک فرزند هستند (علوی‌نژاد، ۱۳۸۶).

### ۳-۳. پیامدهای اجتماعی کم‌فرزندی

#### - کاهش روابط خویشاوندی

خانواده ایرانی چه در شکل گذشته که دارای کارکردهای زیادی چون کنش‌های جنسی، اقتصادی، فرهنگی، تربیتی، اجتماعی بوده و چه در شکل فعلی که به‌علت دگرگونی‌های اقتصادی اجتماعی و

ادامه جایگزینی جمعیت بپردازد و برنامه‌ای برای تعادل آن نداشته باشد، در ۸۰ سال آینده، جمعیت ۳۱ میلیونی را تجربه خواهد کرد که ۴۷ درصد آن را سالمندان بالای ۶۰ سال دربرمی‌گیرند (غمامی و عزیزی، ۱۳۹۳). با کاهش تعداد فرزندان و افزایش خانواده‌های تک‌فرزند، با پدران و مادران سالمندی روبه‌رو می‌شویم که تنها یک یا دو فرزند بار نگهداری از آنان را به دوش می‌کشد (علاسوند، ۱۳۹۲).

### نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش تبیین علل و پیامدهای تک‌فرزندی در خانواده‌های ایرانی بود. عوامل فرهنگی شامل آرمان‌گرایی در تربیت فرزند، فردگرایی، مصرف‌گرایی، سبک زندگی؛ و عوامل اجتماعی شامل اشتغال زنان، تحصیل زنان؛ و نیز عوامل اقتصادی. پیامدهای تک‌فرزندی در سه بخش فردی شامل فرزندسالاری، وابستگی، احساس تنهایی خانوادگی شامل کم‌رنگ شدن فرهنگ خانواده، آسانی طلاق و جدایی والدین و اجتماعی، شامل کاهش روابط خویشاوندی، پیری جمعیت، وجود دارد. علل فرهنگی از فراوانی بیشتری برخوردار بود؛ که با اصلاح یا برطرف شدن برخی از آنها مثل فردگرایی و سبک زندگی می‌توان شاهد کاهش یا برطرف شدن برخی از علل دیگر بود. در بخش پیامدها، پیامدهای خانوادگی که از اهمیت بسزایی برخوردارند و با پررنگ شدن پیامدهای خانوادگی، به فراوانی پیامدهای اجتماعی نیز افزوده می‌شود.

در نتیجه مسئولان در سیاست‌گذاری‌های جمعیتی خود برای کاهش تک‌فرزندی لازم است به علل مختلف انتخاب تک‌فرزندی توسط خانواده‌ها توجه داشته و عوامل فرهنگی و پیامدهای خانوادگی را در اولویت‌بندی‌های خود قرار دهند.

اوایل تشکیل خانواده و در هنگام بروز مشکلات، امدادسانی می‌کرد، به دلیل تغییر شکل و کاهش همبستگی، قادر به ورود ثمربخش در زندگی آنان نیست (نایی و لطفی خاچکی، ۱۳۹۴).

### - پیری جمعیت

بررسی‌ها نشان می‌دهد که در حال حاضر جمعیت ایران به سرعت در حال انتقال سنی است و به‌طور روزافزون به تعداد و درصد جمعیت میان سال و سالخورده افزوده و از جمعیت نوجوان و جوان کاسته می‌شود (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۶).

یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر سالخورده شدن جمعیت، کاهش مستمر باروری و به تبع آن کاهش رشد جمعیت است که باعث تغییرات اساسی در ساختار سنی جمعیت در ایران شده است. سالمندی جمعیت کشور و تغییرات نگران‌کننده ساختار هرم سنی یکی از پیامدهای سقوط نرخ باروری بوده است، که براساس آمارهای آینده‌نگاری جمعیت همچنان تداوم خواهد داشت. مطالعات جمعیتی اثبات می‌کند که طی سالیان آینده روند سالمندی جمعیت با سرعت و شدت بیشتری ادامه خواهد داشت و در صورت ادامه داشتن روند خانواده‌های تک‌فرزند و بی‌فرزند، در آینده نه‌چندان دور ایران با پدیده سالمندی قطعی جمعیت روبه‌رو خواهد شد (قاسمی، ۱۳۹۷).

ایران امروز، اگرچه به‌عنوان جامعه‌ای نسبتاً جوان شناخته می‌شود؛ اما بررسی‌ها و گزارش‌ها نشان می‌دهد که هم‌اکنون بیش از ۷ درصد جمعیت ایران را افراد بالای ۶۰ سال تشکیل می‌دهند که گفته می‌شود این آمار در چهار دهه آینده تقریباً دو برابر خواهد شد؛ به‌طوری‌که در سال ۱۴۲۹ به ازای هر چهار ایرانی، یک نفر سالمند وجود خواهد داشت (احدی و عیوضی، ۱۳۹۹).

نکته‌ای که باید به آن دقت شود این است که پیری جمعیت در کشورهای توسعه‌یافته طی صدسال رخ داده است؛ ولی در کشورهای درحال توسعه در بازه زمانی ۲۵ ساله خود را نشان داده است. این وضعیت در کشور ما نیز با سرعت بالایی اتفاق افتاده است و زمینه این تهدید هم، تأخیر در ازدواج و عمدتاً قناعت به یک یا دو فرزند است که در سال ۱۳۹۰ تا به امروز زیر سطح جانشینی بوده است (محمدی لائینی و همکاران، ۱۳۹۳). گزارش‌های اخیر سازمان ملل نیز هشداردهنده و نگران‌کننده است. مطابق سناریوی رشد پایین جمعیتی که سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۰ منتشر کرده است؛ اگر ایران به همین صورت به

حسن زاده، صالح، ۱۳۹۲، «عوامل تحکیم خانواده در فرهنگ اسلامی»، پژوهشنامه معارف قرآنی، دوره چهارم، ش ۱۵، ص ۶۸-۴۵

حسینی مجرد، اکرم، ۱۳۹۲، جمعیت ایران؛ افزایش یا کاهش، تهران، شورای فرهنگی اجتماعی زنان.

حسینی، زینب و همکاران، ۱۳۹۵، «تجربه زیسته زنان شهر شه‌ریار از تک‌فرزندی با تأکید بر چرایی و پیامدهای آن»، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال یازدهم، ش ۲۲، ص ۸۲-۴۳

حق شناس، جعفر، ۱۳۸۸، آسیب‌شناسی خانواده، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.

خلج‌آبادی فراهانی، فریده و حسن سرایی، ۱۳۹۲، «قصد تک‌فرزندی و تعیین‌کننده‌های آن در زنان و مردان در شرف ازدواج در تهران»، مطالعات جمعیتی، دوره اول، ش ۱، ص ۸۵-۶۱

—، ۱۳۹۵، «واکاوی شرایط زمینه‌ساز قصد و رفتار تک‌فرزندی در تهران»، مطالعات راهبردی زنان، سال هجدهم، ش ۷۱، ص ۵۸-۲۹

خلعتبری، جواد و همکاران، ۱۳۹۰، «ایمان، بررسی رابطه بین کمال‌گرایی و احساس تنهایی با کیفیت زندگی دانشجویان پزشکی استان گیلان»، روانشناسی تربیتی، دوره دوم، ش ۱، ص ۱۱۷-۱۳۱

دلالی اصفهانی، رحیم و رضا اسماعیل‌زاده، ۱۳۸۶، «نگرشی نو بر ایده‌های جمعیتی (بازبینی اندیشه‌های مالتوس، کینز و بکر)»، علوم اجتماعی، دوره چهارم، ش ۱، ص ۹۷-۱۲۰

رازقی نصرآباد، حجه بی‌بی و همکاران، ۱۳۹۵، «تجربه زیسته زنان شهر شه‌ریار از تک‌فرزندی با تأکید بر چرایی و پیامدهای آن»، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ش ۲۲، ص ۸۲-۴۳

رستمعلی‌زاده، ولی‌الله و همکاران، ۱۳۹۷، «تأثیر سبک زندگی امروزی زنان بر میزان فرزندآوری؛ مطالعه موردی شهر قزوین»، زن و جامعه، دوره نهم، ش ۳۶، ص ۳۹-۷۲

رضایی، مهدی و حسین محمودیان، ۱۳۹۱، «زنان و کنش کم‌فرزندآوری مطالعه موردی زنان کرد»، مطالعه راهبردی زنان، دوره چهاردهم، ش ۵۵، ص ۱۷۳-۲۲۵

رفت‌جاه، مریم و همکاران، ۱۳۸۹، «تبیین جامعه‌شناختی فعالیت‌های فراغتی دختران جوان با تأکید بر عوامل آسیب‌شناختی آن»، مطالعات راهبردی زنان، سال سیزدهم، ش ۵۰، ص ۲۹-۸۰

زواره، آمنه، ۱۳۹۷، تأثیر تعدد فرزندان بر اخلاق خانواده و اجتماع از دیدگاه اسلام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، مرکز پیام نور تهران جنوب.

سلیمی، بهزاد، ۱۳۹۶، «مقایسه احساس تنهایی در دانش‌آموزان دارای اضطراب امتحان و دانش‌آموزان عادی»، در: چهارمین کنفرانس بین‌المللی نوآوری‌های اخیر در روانشناسی، مشاوره و علوم رفتاری، تهران، مؤسسه آموزش عالی نیکان.

سیاح، مونس و همکاران، ۱۳۹۵، «عوارض و پیامدهای پدیده تک‌فرزندی در سبک زندگی مدرن»، در: همایش ملی خانواده و مسائل نوپدید، اهر، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان.

سیاه‌پوش، اسحاق و همکاران، ۱۳۹۵، «بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی

## منابع.....

ابراهیمی، قربانعلی و همکاران، ۱۳۹۰ الف، «اوقات فراغت و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن (مطالعه موردی افراد ۱۵-۶۴ ساله شهرستان جویبار)»، جامعه‌شناسی کاربردی، دوره بیست و دوم، ش ۴۴، ص ۹۸-۷۱

—، ۱۳۹۰ ب، «اوقات فراغت، سرمایه فرهنگی و زنان (مطالعه موردی زنان شهرستان جویبار)»، زن در توسعه و سیاست، دوره نهم، ش ۳۵، ص ۹۱-۷۳

احدی، محمدرضا و محمدرحیم عیوضی، ۱۳۹۹، «سالمندی جمعیت؛ چالشی برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در دو دهه آینده»، راهبرد، دوره بیست و نهم، ش ۳، ص ۱۰۲-۶۳

اطیایی، اعظم، ۱۳۸۶، «روابط خویشاوندی و تأثیر آن در زندگی اجتماعی»، پیوند، ش ۳۳۱-۳۳۰، ص ۱۳۴-۱۳۰

آقایاری، توکل و همکاران، ۱۳۹۵، «فرزندآوری به‌مثابه مخاطره (مطالعه کیفی زمینه‌های کم‌فرزندی در شهر تبریز)»، مطالعات راهبردی زنان، سال نوزدهم، ش ۷۳، ص ۳۳-۷

بارانی، صادق، ۱۳۹۴، «بررسی پدیده طلاق در خانواده با رویکرد جامعه‌شناختی»، در: دومین همایش ملی سبک زندگی اسلامی با محوریت عوامل و موانع تحکیم بنیان خانواده.

باقری، معصومه و همکاران، ۱۳۸۸، «بررسی تأثیر اشتغال زنان بر هرم قدرت در خانواده»، خانواده‌پژوهی، دوره پنجم، ش ۱۸، ص ۲۶۷-۲۶۲

بشارت، محمدعلی و همکاران، ۱۳۹۰، «رابطه کمال‌گرایی والدین با کمال‌گرایی و پیشرفت تحصیلی فرزندان در نمونه‌ای از خانواده‌های ایرانی»، پژوهش‌های روان‌شناختی، دوره چهارم، ش ۲، ص ۵۹-۴۱

بهنمش، فرشته و همکاران، ۱۳۹۸، «تبیین علل تک‌فرزندی براساس دیدگاه زنان: مطالعه کیفی»، ایدمیولوژی ایران، دوره پانزدهم، ش ۳، ص ۲۸۸-۲۷۹

پناهی، محمدحسین و منصوره زارعان، ۱۳۹۱، «سلامت خانواده و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن»، علوم اجتماعی، ش ۵۹، ص ۳۹-۱

پورافکاری، نصرالله و همکاران، ۱۳۹۱، «تأثیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی بر اقتدارگرایی»، جامعه‌شناسی کاربردی، دوره بیست و سوم، ش ۴۸، ص ۸۴-۶۷

پیک هارت، کارل، ۱۳۸۹، کلیدهای تربیتی برای والدین تک‌فرزند، ترجمه مسعود حاجی‌زاده، تهران، صابرین.

تقوایی‌فرد، لیلا و همکاران، ۱۳۹۹، «بررسی مدیریت بدن در بین زنان و تأثیر آن بر نگرش آنها نسبت به باروری (مورد مطالعه: زنان در سنین باروری شهر چهرم)»، زن و جامعه، سال یازدهم، ش ۴۳، ص ۵۶-۴۷

جاراللهی، عذرا، ۱۳۷۳، «اثر اشتغال زنان کارگر بر تعداد فرزندان»، نامه علوم اجتماعی، دوره هفتم، ش ۷، ص ۳۰۲-۲۸۵

جوکار، محبوبه و محمدمهدی صفورایی، ۱۳۹۳، «مدرنیته، تغییر سبک زندگی و کاهش جمعیت در ایران»، پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده، دوره دوم، ش ۲، ص ۶۹-۳۹

علاسوند، فریبا، ۱۳۹۲، *زن در اسلام*، قم، هاجر.  
 علوی‌نژاد، سیدحیدر، ۱۳۸۶، «عوامل استحکام خانواده در فرهنگ قرآنی»،  
*پژوهش‌های قرآنی*، ش ۴۹ و ۵۰، ص ۴۸-۷۳.  
 علیرضائزاد، سهیلا و حسن سرایی، ۱۳۸۶، «گستره شبکه روابط اجتماعی زنان  
 شهری و تأثیر تحصیلات دانشگاهی و اشتغال بر آن»، *پژوهشنامه ادبیات  
 و علوم انسانی*، ش ۵۳، ص ۲۲۳-۲۵۲.  
 علیخواه، فریدین، ۱۳۸۷، «پیامدهای سیاسی مصرف‌گرایی»، *تحقیقات فرهنگی  
 ایران*، دوره اول، ش ۱، ص ۲۳۱-۲۶۶.  
 غمائی، سیدمحمد مهدی و حسین عزیززی، ۱۳۹۳، «بایسته‌های تغییر  
 سیاست‌های تقنینی جمعیتی جمهوری اسلامی ایران»، *مطالعات راهبردی  
 زنان*، دوره هفدهم، ش ۶۶، ص ۱۱۷-۱۵۶.  
 غنیمتی، حسن و محمدصادق مهدوی، ۱۳۸۱، «فرزندسالاری»، *پژوهش‌نامه  
 ادبیات و علوم انسانی*، ش ۳۵، ص ۱۱۵-۸۵.  
 فاتحی، ابوالقاسم و ابراهیم اخلاصی، ۱۳۸۷، «مدیریت بدن و رابطه آن با  
 پذیرش اجتماعی بدن (مطالعه موردی زنان شهر شیراز)»، *مطالعات  
 راهبردی زنان*، دوره یازدهم، ش ۴۱، ص ۹-۴۲.  
 فاضلی، محمد، ۱۳۸۲، *مصرف و سبک زندگی*، قم، صبح صادق.  
 فاضلی، مهدی و رضا معینی، ۱۳۹۵، *علل گرایش زوجین جوان ۲۵-۳۹ ساله  
 شهرستان خرمدره به تک‌فرزندی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران،  
 دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.  
 فرزندیان، پریسا و همکاران، ۱۳۹۲، «رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری والدین  
 با کمال‌گرایی و خودتنظیمی و مقایسه آن در دانش‌آموزان خانواده‌های  
 تک‌فرزند و چند فرزند»، *علوم رفتاری*، دوره پنجم، ش ۱۶، ص ۹۹-۱۲۰.  
 فروتن، یعقوب و حمیدرضا بیژنی، ۱۳۹۹، «تک‌فرزندی و تعیین‌کننده‌های در  
 ایران»، *انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، سال پانزدهم، ش ۲۹، ص  
 ۲۶۵-۲۹۱.  
 فکوهی، ناصر و فرشته انصاری مهابادی، ۱۳۸۲، «اوقات فراغت و شکل‌گیری  
 شخصیت فرهنگی نمونه موردی دو دبیرستان دخترانه شهر تهران»،  
*انسان‌شناسی*، دوره دوم، ش ۴، ص ۸۹-۶۱.  
 قاسمی، صالح، ۱۳۹۷، «بازخوانی رابطه کاهش نرخ فرزندآوری با افزایش نرخ  
 طلاق در ایران»، *مطالعات اسلامی آسیب‌های اجتماعی*، دوره یکم، ش  
 ۱، ص ۷۹-۱۱۰.  
 کاظمی، زهرا، ۱۳۸۹، «بررسی تأثیر آرمان‌گرایی توسعه‌ای بر شکاف بین  
 نگرش‌های دختران و مادران آنها نسبت به ازدواج و خانواده»،  
*خانواده‌پژوهی*، دوره ششم، ش ۲۳، ص ۲۹۹-۳۱۲.  
 کاظمی‌نسب، رحمان و عبدالصمد بهرام‌زاده، ۱۳۹۹، «تشکیل و تحکیم خانواده  
 از منظر قرآن کریم»، *پژوهش و مطالعات علوم اسلامی*، سال دوم، ش  
 ۱۳، ص ۲۹-۲۱.  
 کاوه فیروز، زینب و همکاران، ۱۳۹۵، «تأثیر مؤلفه‌های سبک زندگی بر نگرش  
 به فرزندآوری (مطالعه موردی: زنان در آستانه ازدواج شهر تهران)»، *زن در  
 توسعه و سیاست*، دوره چهاردهم، ش ۲، ص ۲۱۷-۲۳۴.  
 کبودی، مرضیه و همکاران، ۱۳۹۳، «بررسی روند باروری در بین زنان متولد

مؤثر بر گرایش به فرزندآوری در شهر اندیشک با تأکید بر سبک زندگی  
 (مطالعه موردی زنان متأهل کمتر از ۳۵ سال)»، *جامعه‌شناسی مطالعات  
 جوانان*، دوره ششم، ش ۲۱، ص ۲۴-۹.  
 شاه‌آبادی، زهرا و همکاران، ۱۳۹۴، «بررسی نگرش نسبت به ادامه تحصیل  
 پس از ازدواج و تأثیر آن بر تصمیم‌گیری درباره فرزندآوری (مطالعه زنان  
 در شرف ازدواج شهرستان نیشابور)»، *علوم اجتماعی*، ش ۲۱، ص  
 ۱۲۶-۱۶۲.  
 شجاعی، محمدصادق، ۱۳۸۶، *نقش فرزند در استحکام و بهداشت روانی  
 خانواده، تقویت نظام خانواده و آسیب‌شناسی آن*، قم، مؤسسه آموزشی و  
 پژوهشی امام خمینی.  
 شکرپیگی، عالیبه و امیر امیری، ۱۳۹۰، «مدیریت بدن و مقبولیت اجتماعی  
 (مطالعه دانشجویان دختر و پسر دانشگاه آزاد اسلامی و پیام نور شهر  
 زنجان)»، *جامعه‌شناسی مطالعات جوانان*، سال دوم، ش ۳، ص ۸۵-۱۰۸.  
 شمس‌الدینی، حسین و همکاران، ۱۳۹۵، «تأثیر مؤلفه‌های سبک زندگی بر  
 نگرش به فرزندآوری (مطالعه موردی زنان در آستانه ازدواج شهر  
 تهران)»، *زن در توسعه و سیاست*، دوره چهاردهم، ش ۱۲، ص ۲۱۷-  
 ۲۳۴.  
 شهیدی کومله، نرگس، ۱۳۹۶، *بررسی تأثیر مؤلفه‌های سبک زندگی بر تمایل  
 فرزندآوری زنان متأهل شاغل و غیر شاغل شهر تهران*، پایان‌نامه  
 کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه خوارزمی.  
 شیخی، محمدتقی، ۱۳۹۵، *بررسی پیامدهای درون خانوادگی گرایش به  
 تک‌فرزندی شهرستان گناباد*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه  
 الزهراء.  
 شیرزادی، صفر و همکاران، ۱۳۹۶، «عوامل مؤثر بر تحکیم بنیان خانواده»، در:  
*پنجمین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روان‌شناسی، آسیب‌های  
 اجتماعی و فرهنگی ایران*، تهران، انجمن توسعه و ترویج علوم و فنون  
 بنیادین.  
 صادقی حسن‌وند، ۱۳۹۶، *تجربه زیسته زنان دارای یک فرزند*، پایان‌نامه  
 کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.  
 صادقی، حنانه‌سادات و حسن سرایی، ۱۳۹۵، «عوامل مؤثر بر گرایش به  
 فرزندآوری زنان شهر تهران»، *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، دوره  
 هفتم، ش ۲۷، ص ۱-۳۲.  
 صادقی، مسعود و سمیه روشن‌نیا، ۱۳۹۵، «بررسی نقش جمعیت خانواده بر  
 ابعاد روانی فرزندان: امید به زندگی، تاب‌آوری و تمایز یافتگی»، *فرهنگی  
 تربیتی زنان و خانواده*، سال یازدهم، ش ۳۶، ص ۹۹-۱۲۱.  
 صافی‌زاده، منصوره و همکاران، ۱۳۹۴، «تک‌فرزندی و پیامدهای آن از بعد  
 اجتماعی و فردی»، *بهورز*، سال بیست و ششم، ش ۹۲، ص ۶۴-۶۵.  
 صالحان، حسنیبه، ۱۳۹۸، «آسیب‌شناسی تک‌فرزندی»، *ره‌توشه*، ش ۹۸، ص  
 ۳۷-۴۸.  
 عباسی شوازی، محمدجلال و سعید خانی، ۱۳۹۳، «انامی اقتصادی و باروری:  
 مطالعه موردی زنان دارای همسر شهرستان سمنان»، *نامه انجمن  
 جمعیت‌شناسی ایران*، سال نهم، ش ۱۷، ص ۳۷-۷۶.

خانواده‌های روستای «حصار خروان» در نیم‌قرن اخیر»، *انسان‌شناسی*، دوره دوازدهم، ش ۲۱، ص ۱۶۹-۲۰۷.

یوسفی، بهنوش و عطیه پورالعجل، ۱۳۹۶، «آسیب‌های تک‌فرزندی»، در: *اولین همایش ملی روانشناسی کودک و نوجوان*، ملایر، دانشگاه ملایر.

۱۳۳۵-۱۳۴۴»، *تحقیقات بالینی در علوم پیراپزشکی*، دوره سوم، ش ۴، ص ۲۸۶-۲۹۳.

کردی، حسین و سکینه هادی‌زاده، ۱۳۹۱، «بررسی سبک زندگی شاغل و غیرشاغل»، *زن و جامعه*، دوره سوم، ش ۴، ص ۲۱-۴۱.

کنعانی، محمدمین و سعادت بخشی، ۱۳۹۳، «گسترش فردگرایی و مسئله کم‌فرزندآوری: مطالعه‌ای در رشت»، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، سال نهم، ش ۱۸، ص ۲۵-۱.

محمدی لائینی، محمداقبر و همکاران، ۱۳۹۳، «کاهش جمعیت و تأثیر آن بر سلامت فرد و خانواده از دیدگاه اسلام»، *دین و سلامت*، سال دوم، ش ۱، ص ۶۲-۷۳.

محمدی، اصغر و زهرا صادقی، ۱۳۸۸، «بررسی تأثیر فرزندسالاری بر روابط خانوادگی و خویشاوندی در شهر شیراز»، *زن و مطالعات خانواده*، سال دوم، ش ۵، ص ۱۳۱-۱۳۵.

محمودیان، حسین، ۱۳۸۹، «سن ازدواج در حال افزایش: بررسی عوامل پشتیبان»، *نامه علوم اجتماعی*، دوره یازدهم، ش ۴، ص ۲۷-۵۴.

مدیری، فاطمه و علی رحیمی، ۱۳۹۵، «اشتغال زنان، نشاط زناشویی و گرایش به طلاق (مورد مطالعه: متأهلان شهر تهران)»، *زن در توسعه و سیاست*، دوره چهاردهم، ش ۴، ص ۴۵۱-۴۷۵.

مطهری، حمیدرضا و زهرا یوسفیان، ۱۳۹۶، «درآمدی بر سیره امام هادی (ع) در زمینه روابط خویشاوندی»، *تاریخ اسلام*، سال هجدهم، ش ۳، ص ۱۰۳-۱۳۴.

معدنی، سعید و مریم نژادفلاح، ۱۳۹۳، «بررسی تأثیر اشتغال زنان بر خانواده»، *علوم رفتاری*، دوره ششم، ش ۲۰، ص ۱۵۳-۱۷۳.

مقدم، سوری، ۱۳۸۸، «فرزندسالاری یا کودک‌محوری»، *مجازش*، ش ۲۱۳، ص ۲۲-۲۳.

موسوی، سیدمرتضی، ۱۳۹۷، *رازقیت الهی و افزایش جمعیت*، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ع).

میرزایی، محمد و همکاران، ۱۳۹۶، «سال‌خوردگی جمعیت در ایران و هزینه‌های رو به افزایش بهداشت و درمان»، *سالمندی ایران*، دوره دوازدهم، ش ۲، ص ۱۵۶-۱۶۹.

نایی، هوشنگ و بهنام لطفی‌خاچکی، ۱۳۹۴، «تأثیر روابط و پیوندهای خویشاوندی بر میزان آسیب‌های اجتماعی در استان‌های کشور»، *بررسی مسائل اجتماعی ایران* (نامه علوم اجتماعی)، دوره ششم، ش ۱، ص ۲۶-۱.

نایی، هوشنگ و بهنام لطفی‌خاچکی، ۱۳۹۴، «تأثیر روابط و پیوندهای خویشاوندی بر میزان آسیب‌های اجتماعی در استان‌های کشور»، *بررسی مسائل اجتماعی ایران* (نامه علوم اجتماعی)، دوره ششم، ش ۱، ص ۲۶-۱.

نجار باغ‌سیاه، مریم، ۱۳۹۵، *بررسی پیامدهای درون خانوادگی گرایش به تک‌فرزندی شهر گناباد*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه الزهراء (ع).

نجفی اصل، زهره، ۱۳۹۳، «تبیین تحولات نسلی روابط خویشاوندی در